

هم محکمه ناقص باشد حق این است که از مستشاران استیناف بتعیین رئیس کل استیناف برای تکمیل محکمه دعوت بعمل آید تا اعضاء تشکیل دهنده محکمه در عرض هم باشند .
 البته در دیوان کیفر باز پرس هائی وجود دارند که هر گاه در محکمه شرکت کنند شایسته قضاوت خواهند بود ولی معلوم نیست در هر محکمه و هر موردی از وجود آنها استفاده شود .

ترجمه مهدی ملکی

شغل و کالت

(بقیه)

قسمت اول . احراز شغل و کالت

تعریف . اصولاً وکیل بکسی اطلاق میشود که شغلش طرح و دفاع دعوا در دادگستری است ولی این تعریف کامل نبوده و صحیح نیست چه در واقع شامل عمل مشاوره یا اصلاح ذات البین که جزو امور مربوطه بوکیل بوده و مکمل دفاع یا طرح دعوی میباشد نمیگردد .

بعلاوه با این تعریف تفاوت بین وکیل و نماینده قانونی (avoué) معلوم نشده و شامل وظیفه نمایندگی وکیل در مقابل دادگاههای استثنائی از قبیل دادگاه تجارت . دادگاه بخش . و شورای کار . نمیشود .

برای اینکه با تطبیق بامقررات فعلی بتوان تعریف جامعی برای وکیل بدست آورد باید گفت هرلیسانسیه حقوقی که پس از انجام مراسم تحلیف نامش در یکی از کانونهای وکلا ثبت و شغلش شامل مشورت . اصلاح . طرح دعوی یا دفاع از دعاوی باشد که اصولاً و عملاً بعنوان معاون موکل و استثنائاً بسمت نمایندگی او دخالت نماید وکیل است .

مقام و موقعیت وکیل در تشکیلات قضائی - وکیل جزو لاینفک تشکیلات قضائی است و بهمین جهت شغل وکالت تماس با مشاغل عمومی پیدا مینماید. درحقیقت تشکیلات قضائی که مأمور و موظف بحسن جریان عدالت است دارای دو دسته عضو میباشد یکی قضات و دیگر وابستگان بمحاکم.

الف - قضات از کارمندان رسمی دولت بوده بعضی ایشان مأمور قضاوت و بعضی دیگر نماینده جامعه و مأمور دفاع از انتظامات عمومی میباشد که دسته اول بقضات نشسته معروف و اصولاً غیرقابل انتقال میباشد و دسته دوم یعنی دادستان و دادیاران بقضات ایستاده معروف و انتقال ایشان مانعی ندارد هر دو دسته را دولت انتخاب کرده حقوق میدهد و مستحق حق بازنشستگی میباشد.

ب - وابستگان محاکم کسانی هستند که با حسن جریان و اداره عدالت همکاری مینمایند و اینها صاحب منصبان مربوط بمحاکم و وکلای دادگستری میباشد که دسته اول را اصولاً دولت انتخاب میکند ولی حقوق آنها را متداعین پرداخته و حقی بقاعد ندارند از قبیل مأمورین اجراء و احضار و مأمورین تنظیم و ابلاغ اوراق و احکام و نماینده قانونی (avoué) که مأموریت و وظیفه اصلیش نمایندگی از طرف متداعین در دادگاههای عمومی بوده و بنام ایشان بموجب وکالت فرضی قانونی تشریفات لازمه دادرسی را از حیث مقررات مربوطه بآئین دادرسی رعایت و اعمال مینمایند و بالاخره منشیان محاکم که در دادگاهها اظهارات طرفین را ثبت و رونوشت نظریه دادگاه را برای ابلاغ بطرفین تهیه و اصل دادنامه را حفظ میکنند.

وکلای دادگستری نه از دسته مستخدمین قضائی بوده و نه جزو عمال و صاحب منصبان وابسته بمحاکم میباشد و کلاً دارای شغل آزاد مقید بنظاماتی میباشد که بموجب قانون برای اجرای شغل مرقوم لازم دانسته شده است - و کلاً جزو عضو تشکیلاتی هستند بنام کانون و کانونها دارای شخصیت حقوقی ممتازی بوده بوسیله هیئت مدیره منتخب از بین وکلا اداره شده و اصولاً نسبت باعضای خود دارای قدرت انتظامی میباشد - رابطه وکلا با موکلین خود بموجب قرار دادی تأمین میشود که بعداً در اطراف آن بحث خواهیم کرد و این قرارداد از نظر حقوقی درعین حال قرار داد اجاره کار و نمایندگی است.

فصل اول

شرایط لازم برای احراز شغل وکالت

اصل کلی - شغل وکالت بلحاظ اهمیت اجتماعی که دارد و بمناسبت لزوم اطلاعات و حسن اخلاق که شرط اساسی آن است شغل آزادی نبوده و از نظر رعایت انتظامات عمومی مقررات مربوطه با آزادی کار که در ماده ۷ اصل اساسی ۲ - ۲۷ مارس ۱۷۹۱ پیش‌بینی شده شامل آن می‌گردد .

شرایط لازمه شغل وکالت زیاد و منظور از کلیه این شرایط تضمین حسن جریان امور قضائی بوسیله وکیل است . شرایط مرقوم در فرمان ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰ قید و شرایط اساسی آن عبارتست از تابعیت فرانسه . دیپلم لیسانس حقوق . قابلیت و اهلیت اعمال حقیقی شغل وکالت . صحت عمل و شرافت . عدم وجود موانع قانونی .

تابعیت فرانسه

مراد از تابعیت فرانسه چیست . ماده ۲۲ مقررات ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰ مینویسد هر کس تقاضای کار آموزی شغل وکالت را از کانون مینماید باید علاوه بر مدارک لازم دیگر مدرکی که مثبت فرانسوی بودن اوست بهیئت مدیره تسلیم نماید . این شرط از زمان صدور اعلامیه ۱۶ ژانویه ۱۶۲۰ تا بحال موجود است و علت آن این است که شغل وکالت همانطور که گفتیم حرفه عمومی و اجتماعی میباشد و برخلاف سایر مشاغل صنعتی . تجارتي . یا زراعتی . که بموجب ماده ۲ قانون مدنی برای خارجیان آزاد است چون شغل وکالت جزو حقوق عمومی است نه حقوق خصوصی خارجیان نمیتوانند در فرانسه وکالت نمایند (معمولاً با تقدیم رونوشت ورقه شناسنامه منضم بکتابچه خاتمه خدمت نظام وظیفه یا کارت انتخاباتی میتوان تابعیت فرانسه را از جهت شغل وکالت اثبات نمود) .

نکته مهمی که در این مورد قابل بحث است این است که آیا ساکنین الجزیره و مستعمرات که تابع حکومت فرانسه بوده ولی دارای حقوق مدنی و سیاسی فرانسویان نیستند مثل بومیان مسلمان الجزیره یا اهالی آنام میتوانند در فرانسه وکالت کنند یا خیر آنچه مسلم است اتباع ممالک تحت الحمایه مثل

تونس و مراکش و با کشورهای تحت قیمومت مثل لبنان قبل از استقلال چون نه فرانسوی هستند و نه تابع فرانسه مسلماً حق وکالت را در فرانسه ندارند ولی نسبت بسایرین رویه قضائی ثابتی بایشان این اجازه را داده است و دیوانکشور در نظریه خود بماده ۲۲ دستخط ۱۹۲۰ استناد کرده معتقد است چون بموجب ماده مرقوم صفت فرانسوی شرط شده اینصفت شامل فرانسویان و اتباع فرانسه در خارج از فرانسه میگردد. خصوصاً که نص صریحی مشعر بررد دسته اخیر وجود ندارد. ولی این رویه نه مورد تصدیق کانونهای مختلفه فرانسه است و نه مورد تصویب علمای حقوق واقع شده - بعقیده ما نظریه دیوان کشور صحیح نمیشد زیرا همانطور که گفتیم شغل وکالت شغل نیمه رسمی است و هیئتهای مدیره کانون صورت محاکم حقیقی را دارند که واجد قدرت انتظامی میباشند بعلاوه چون مطابق قانون و کلا برای تکمیل دادگاهپادرسورت غیبت اعضای آن دعوت میشوند تردیدی نیست که مسلمان الجزیره ای یا فرد آنامی تابع فرانسه نمیتواند در فرانسه قاضی و بالتبجه وکیل شود. مضافاً اینکه شغل وکالت منحصرأ مستلزم اطلاعات قضائی نبوده بلکه سوابق اخلاقی و مخصوصاً آشنائی کامل باخلاق و عادات و زندگی فرانسوی را لازم دارد که اغلب بومیان تابع فرانسه فاقد آنند و کانونهای وکلای فرانسه که از مجامع بسیار مهم اجتماعی است بایستی در مقابل ورود عناصر خارجی که قانون پرستی آنان مسلم نبوده و کاملاً مترقی نیستند محفوظ بماند.

موقیبت خارجیان در فرانسه از نظر شغل وکالت - همانطوریکه گفتیم وکالت از حقوق خصوصی معمولی نبوده و در نتیجه خارجیان نمیتوانند باستناد ماده ۲ قانون مدنی یا بعنوان معامله متقابله بشغل وکالت در فرانسه اشتغال ورزند و فقط در موارد بسیار محدود آنهم بشرط کسب اجازه از دادگاه مربوطه و در صورت حضور وکیل فرانسوی دیگری از طرف موکل با رعایت معامله متقابله بلحاظ حسن روابط بین المللی ممکن است فرد خارجی بعنوان وکیل اتفاقی مجاز در دفاع در پیشگاه دادگاههای فرانسه گردد.

شرایط خارجیایکه تحصیل تابعیت فرانسه را نموده اند - در اینمورد از نظر قانونی تحت تأثیر احتیاجات اساسی دفاع ملی و ملیت یکنوع تکامل مخصوصی

در قانون فرانسه بزبان ایندسته مشهود است . در واقع بموجب قانون ۲۶ ژوئن ۱۸۸۹ خارجیانیکه تحصیل تابعیت میکردند تا دهسال منحصراً از لحاظ نمایندگی مجلسین فاقد اهلیت بودند . قانون ۱۰ اوت ۱۹۲۷ این محرومیت موقتی را شامل عضویت انجمنهای ایالتی و ولایتی و بلدی . محاکم تجارت . شورای کار و اطاق بازرگانی هم نمود - در این اواخر باز بر اثر تجربه احساس شد که برای حفظ منافع ملی بایستی تصمیمات شدیدتری اتخاذ نمود قانون ۱۹ ژوئیه ۱۹۳۴ این قبیل خارجیان را از کلیه مشاغل عمومی منجمله شغل وکالت تا ده سال در فرانسه محروم نمود و فقط بموجب شق اخیر ماده ۲۰ تصویبنامه ۱۲ نوامبر ۱۹۳۸ اگر لا اقل پنجسال در فرانسه خدمت نظام کرده باشند از ممنوعیت مرقوم معاف میشوند .

شرط سن در وکالت - دستخط ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰ برای اعمال شغل وکالت از نظر سن قائل بشرطی نشده و در نتیجه صغر قانونی مانع شغل وکالت نمیگردد ولی اصولاً چون زودتر از ۱۶ سال شخص موفق بتحصیل دیپلم متوسطه نشده و لا اقل سه سال برای طی دوره لسانس لازم دارد زودتر از ۱۹ و ۲۰ عملاً ممکن نیست کسی داوطلب شغل وکالت گردد . منتها چون صغر قانونی برای قبول مشاغل عمومی تا ۲۱ سالگی است با استفاده از دستخط مرقوم صغیر بین ۱۹ و ۲۰ تا ۲۱ سال میتواند وکیل شود ولی برای ثبت نام خود در صورت کارآموزان باید اجازه ولی یا قیم قانونی خود را ضمیمه درخواست کند . و پس از تحصیل اجازه اگر مرتکب تقصیر یا بی احتیاطی گردد ولی یا قیم میتواند موافقت خود را مسترد دارد . و در اینصورت اسم وکیل از صورت کارآموزان حذف میشود .

آیا زنان میتوانند وکیل شوند - در قانون قدیم فرانسه تا آخر قرن ۱۹ شغل وکالت مخصوص بردان بود ولی بر اثر تکاملی که در اخلاق عمومی ایجاد شد و در نتیجه نهضت‌های ترقیخواهانه زنان قانون اول دسامبر ۱۹۰۰ وضع و بموجب این قانون باب شغل وکالت بروی زنان باز گردید . معذالک از نظر قانونی برای زنان دو نوع استثناء یا محدودیت موجود است .
اول - اگر زن شوهر داشته باشد شوهر در صورتیکه شغل خودش

وکالت نباشد حق مخالفت و اعتراض دارد. و اگر زن این اعتراض را بموقع نداند باید بدادگاه شهرستان محل اقامت زوجین مراجعه کند و دادگاه در جلسه مشورتی پس از استماع اعتراضات شوهر و نظر دادستان نظریه خود را خواهد داد. چنانچه نظر دادگاه بررد اعتراضات شوهر باشد زن میتواند وکیل شود و در صورت قبول اعتراض حکم دادگاه موجب بطلان قراردادهای منعقدہ بین زن و مشتریانش میگردد.

دوم - چون زنها نمیتوانند قاضی گردند در نتیجه زنیکه وکیل دادگستری است نمیتواند برای تکمیل دادگاهها معرفی شود.

دیپلم لیسانس حقوق - مدرک تحصیلات علمی قضائی وکیل دیپلم لیسانس حقوق است که از دانشکده های حقوق فرانسه صادر شده باشد و لیسانس دانشکده های خارجی از طرف اشخاصیکه تابعیت فرانسه را قبول کرده اند قابل قبول نیست.

دیپلم *Capacité* یا تحصیلات مقدماتی حقوق برای نمایندگی قضائی سر دفتری. و مأموریت اجراء و احضار کافی است ولی برای وکالت کافی نیباشد. دیپلم تحصیلات عالیہ حقوق و دکترای مفید است اما ضروری نیست. قابلیت و اهلیت اعمال حقیقی شغل وکالت - ماده ۳ فرمان ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰ میگوید هیچکس نمیتواند نامش را در ایست وکلا در کانون ثبت کند اگر حقیقتاً و عملاً در حوزه آن کانون مشغول وکالت نباشد.

مراد از اعمال حقیقی شغل وکالت این نیست که منحصرأ وکیل تظاهر بوکالت کرده و در زندگی وکالتی شرکت نماید بلکه باید جسمأ و روحأ مستعد وکالت و مشغول وکالت باشد بنا براین کسانیکه قصدشان فقط تحصیل عنوان وکالت بوده یا شغل دیگری دارند که قسمت اعظم وقت آنها را اشغال میکند و یا کسانیکه در اثر ضعف قوای جسمانی یا عقلی قادر بادامه این شغل نیستند نامشان از لیست وکلا حذف میشود.

نتایجی که از این اصل گرفته میشود این است که اولاً وکیل باید دارای عقل سالم باشد. مجانبین و سفهاء نمیتوانند وکیل شوند و اگر درحین وکالت مبتلا باین قبیل امراض شوند نامشان از ردیف نام وکلا خارج میگردد

ولی در مورد و لخرجیها و اصراف کاران مادام که این عادت موجب رفتاریکه منافعی با شئون وکالت باشد نشود منعی موجود نیست . ثانیاً بعضی امراض از قبیل لال بودن یا کر و لال بودن مانع اعمال شغل وکالت است . ولی کوری تنها یا کوری مانع این شغل نمیشد و بسیارند و کلای کور که توانسته‌اند بقدرت اطلاعات و احاطه خود در امور نام نیکی در بین وکلا احراز کنند . ثالثاً و از همه مهمتر مستفاد از این اصل این است که وکیل بایستی در حوزه کانون محلی که نام خود را ثبت کرده دارای محل اقامت حرفه‌نابتی باشد . این قاعده از قواعد بسیار مهم شغل وکالت بوده و کانونها اصولاً علاقه مفرطی بحفظ آن نشان میدهند . زیرا در واقع وکیل بایستی در دسترس مشتریان خود بوده و نمیتواند ایشانرا مجبور بمسافرت‌های خرج برداری برای ملاقات خود نماید . و بعلاوه دسترسی بوکیل بایستی سهل و مطمئن باشد تا بتوان اوراق لازمرا بسهولت و مطمئناً باو ابلاغ نمود . و از همه مهمتر وکیل بایستی دائماً تحت نظر رئیس هیئت مدیره و کانون وکلای مربوطه باشد .

البته مراد از داشتن اقامتگاه این نیست که حتماً اقامتگاه مرقوم در حوزه مرکزی شهرستان یا استان مربوطه باشد بلکه وجود اقامتگاه در هر یک از بخشها . یا حوزه‌های تابعه محل وکالت کافی است . مثلاً وکلای پاریس میتوانند در حوزه ایالت سن دارای اقامتگاه باشند و این محل اقامت بهر تقدیر محل اقامت قانونی یا حرفه‌محسوب و با اقامتگاه خصوصی وکیل یا مسکن معمولی او قابل اشتباه نمیشد . وکیل باید در محل اقامتش دفتر کار خود را دائر کرده و این دفتر مرکز فعالیت حرفه او باشد و برای اقامت خصوصی خود میتواند بهر محلیکه مایل است برود .

اقامتگاه قانونی یا حرفه‌وکیل و دفتر وکالت باید حقیقتاً وجود خارجی داشته و مناسب و شایسته این شغل باشد . تهیه اطاق در مهمانخانه یا داشتن اطاق مبله کرده در منزل دیگران . یا اقامتگاه مجازی نزد اقوام و دوستان کافی نیست . فقط اگر داوطلب شغل وکالت نزد کسانش که مقیم در حوزه کار او باشند ساکن باشد ممکن است اسمش را در صورت کار آموزان ثبت کند والا باید لااقل سند اجاره آپارتمانی را بنام خود که دارای اثاثیه مرتب و

قابل پذیرائی موکل باشد ضمیمه تقاضای خود نماید . و در آن آپارتمان باید لااقل يك اطاق علیحده برای کار موجود و تزئین اطاق کار صددرصد آراسته و ظاهرالصلاح باشد . بعضی از کانونها بخصوص کانون پاریس باین مسئله بی اندازه مقید بوده منجمله مقرر داشته است و کیل حتما باید مالک اثاثیه منقول خود بوده دارای کتابخانه مختصری باشد و آپارتمان و کیل علاوه بر اطاق خواب خصوصی او باید دارای دفتر کار و اطاق انتظار باشد و و کیل کارآموز در کوی دانشگاه نباید سکونت داشته باشد که در صورت عدم رعایت مقررات مرقوم اسم و کیل از لیست و کلا حذف میشود .

دیوان کشور شعبه دادخواستها و عرایض در ۹ نوامبر ۱۹۲۵ تصمیمی بدین مضمون گرفته که و کیلی که در حوزه دادگاه مربوط بکانون مربوطه فقط محل سکونت ظاهری دارد و شغلش را در شهر دیگری انجام میدهد حقا بایستی از لیست و کلای آن حوزه حذف شود . و نتیجه آنکه اگر و کیل میتواند با ثبت نام خود در یکی از کانونهای محلی در تمام دادگاههای کشور فرانسه و کالت نماید اصل مسلم این است که و کالتش در حوزه های دیگر اتفاقی بوده و استقرار عادی او در حوزه اصلی ضروری است . مثلا و کیلی که نامش در کانون پاریس ثبت شده و هر روز بورسای برای محاکمه میرود حقا بایستی نامش از کانون پاریس حذف گردد .

جواد آرا

« الناس مساطون علی اموالهم »

راجع بتشریح این حدیث و مفاد آن لازم است نکاتی را یادآوری نمود شرح زیر :

۱ - اضافه کلمه بکلمه دیگر برای افاده اختصاص و ارتباط میان دو کلمه است ولی این ارتباط و انتساب وقتی از نفس اضافه مستفاد میگردد که مضاف از نوع مشتق باشد و یا آنچه درحکم مشتق است و چون در موضوع